

گزارشی

معمای جنایتی بدون جسد

وکیل مردی که با اصرار زیاد ادعا می‌کند دوست چندین ساله‌اش را به قتل رسانده و جسدش را از بین برده، حرف‌های موکل خود را رد می‌کند و مدعی است با شنیدن مکالمه اولیه‌ای دم، فقهیده مقتول در شمال کشور زنده دیده شده‌است.

مهر سال۸۸ به ماموران پلیس تهران خبر دادند مردی به نام کیوان گم شده‌است. خواهر کیوان مدعی شد برادرش روز حادثه با یکی از دوستانش به نام منوچهر قرار داشت. ضمن اینکه آنها با هم اختلاف مالی داشتند. در تحقیقاتی که ماموران انجام دادند منوچهر بازداشت شدو به قتل کیوان اعتراف کرد، او گفت: من و منوچهر سال‌ها با هم دوست بودیم و ارتباط نزدیکی داشتیم البته ابتدا خواهر منوچهر را می‌شناختم. او از همسایه‌های مایود. زمانی که میناماجر دیو دنامه‌ای چندصحنه‌ای برای من نوشت و گفت عاشقم شده‌است و از من خواست با هم ازدواج کنیم. به مینا علاقه داشتم اما چون همسر و فرزند داشتم گفتم نمی‌توانم این کار را بکنم. پیشنهاد دادم مینا ازدواج کند و بعد طلاق بگیرد تا بتوانم او را اصیغه کنم که او قبول نکرد. در آن زمان منوچهر در آمریکا زندگی می‌کرد. چندسال بعد او را اخراج کردند و به ایران آمد. پس از بازگشت منوچهر ارتباط ما با این خانواده بیشتر شد و آنها به خانه من رفت و آمد می‌کردند تا اینکه یک‌روز با من تماسی گرفت‌شدو گفتند همسر سیمادربیمارستان است. وقتی به آنجا رفتم متوجه شدم همسرم خیلی حالش بد است. او بعد از چندروز به من گفت منوچهر به وی تجاوز کرده‌است. خیلی عصبی شدم و چندبار تصمیم گرفتم او را بکشم اما نتوانستم و در قلمب

او را بخشیدم. متهم ادامه داد: منوچهر را بعد از حدود ۱۲ سال، یک‌روز در خانه مادرم دیدم. من لوازم شکار در خانه مادرم ندادم. من داشتم و برای سرزدن به آنها رفته بودم. بعد از اینکه کسی با منوچهر صحبت کردم او شیشه اداکلنی از کیفش درآورد و به من گفت این را به

سیماداد. خیلی عصبی شدم فقهیدم او در تمام این سال‌ها به همسر من فکر می‌کرده و من اشتباه کردم او را بخشیدم، سیر این موضوع باهم درگیر شدیم او را ابتدا با تفنگ و بعد هم با تبر زدم و کشتتم. منوچهر نزدیک به ۱۲۰ کیلو وزن داشت، به‌سختی توانستم جسد را لای برزنی بپیچم و به‌وانتی که داشتم منتقل کنیم. به سمت جاده تلو رفتم جسد را در گودالی لای زیاله‌ها انداختم. دو وانت هیزم روی آن ریختم و آتش زدم بعد که کاملاً سوخت و از بین رفت به‌خانه برگشتم و آثار خون را کاملاً شستم تا اینکه بازداشت شدم. گفته‌های کیوان در مورد تجاوز به همسرش توسط سیمامورد تایید قرار گرفت و او گفت با اینکه در تمام این سال‌ها شوهرش به‌خاطر این تجاوز با او بدرفتاری می‌کرد اما به‌خاطر بچه‌هایش شرایط را تحمل کرد. متهم ۶ساله بعد از صدور کیفرخواست دیروز در شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری استان تهران پای میز محاکمه رفت. نماینده دادستان تهران در ابتدای جلسه محاکمه در جایگاه حاضر شد و کیفرخواست را خواند. او گفت: کیوان آقاریم قرون به واقع دار. ضمن اینکه بنابر اظهارات خودش با منوچهر به‌خاطر بدهی‌ای که به خواهر زن مقتول داشته درگیر شده. این مرد ادعای تعرض به همسرش را بعد از چندین جلسه بازجویی مطرح کرده و به‌نظر می‌رسد قصد داشته راه گریزی برای خودش پیدا کند. همچنین لکته‌های خون از محل درگیری مورد ادعای متهم با مقتول نیز کشف شده‌است. هرچند جسد پیدا نشده‌است اما با توجه به‌قراین موجود در پرونده و با توجه به اینکه متهم به دلیل اختلاف مالی با مقتول و رابطه با خواهر او انگیزه کافی برای قتل داشته درخواست صدور رای قانونی در این خصوص را دارم. در ادامه کیوان در جایگاه قرار گرفت. او یک‌بار دیگر اتهام را قبول کرد و گفت مرد یک‌بار قتل شده و آن را انکار نمی‌کند اما وقتی وکیل مدافع متهم در جایگاه حاضر شد، در دفاع از موکلش گفت: هرچند موکل من اتهام را قبول کرده و اصرار دارد مرتکب این قتل شده‌است اما دادلایی در پرونده وجود دارد که نشان می‌دهد اصلاقتل رخ نداده‌است. اول اینکه خودنی که مورد ادعای نماینده دادستان است نمونه‌برداری شده‌است. آزمایش انجام نشده‌است مشخص شود این خون متعلق به حیوان است یا انسان و دی‌ان‌ای آن نیز مورد بررسی قرار نگرفته که معلوم نشود متعلق به مقتول است یا خیر. از آنجایی که متهم وسایل شکارش را در آن محل نگهداری می‌کرده‌است اما اینکه خون به حیوان تعلق داشته نباشد وجود دارد. دوم اینکه مقتول قبل با اولیای دم تماس گرفت‌مت تا با آنها وارد مذاکره شوم. قبول نکردند و قرار شد خودشان به من زنگ بزنند. چنددقیقه بعد تلفن همراهم زنگ خورد. متوجه شدم بچه‌ای پشت خط است. او حرف نمی‌زد و بازی می‌کرد فقهیدم آن بچه حین بازی با گوش‌ی تلفن شماره گرفته‌است. من مکالمه برادر مقتول با زنی را که به‌نظر می‌رسید مادرش است شنیدم که می‌گفتند بعد از صدور حکم قصاص چه مبلغی دهی بگیرند و آن را جطور تقسیم کنند، حتی گفته شد فردی منوچهر را در شمال دیده‌است. من بعد از این صحبت‌ها مساله را صورت‌تجسسه کردم و همه کسانی که در محل بودند و مکالمه را شنیدند نیز آن را امضا کردند. نکته‌هم دیگر اینکه مقتول مدتی قبل از این واقعه به خانواده‌اش گفته بود می‌خواهد آن کشور خارج شود و در شکایت اولیه‌هم خواهرش در خواست کرده بود احتمال خروج منوچهر از کشور بررسی شود اما این موضوع هم یک‌جگویی نبود. حتی به فرض اینکه قتل اتفاق افتاده و همه گفته‌های موکل مردست باشد، مقتول مهدرالد بود و به‌دلیل تجاوز به همسر متهم توسط او کشته شده‌است. ضمن اینکه تا کید می‌کنم جسد کشف نشده و ممکن است منوچهر زنده باشد. هیات قضات با پایان جلسه رسیدگی، برای صدور رای داد‌گاه وارد شور شدند.



گروه حوادث: زنی که شوهر بد اخلاقش را در خواب با ضربات چاقو کشته بود، در بازجویی‌های پلیسی جزئیات شب جنایتش را بازگو کرد.

به گزارش باشگاه خبرنگاران، چندی پیش خبر مفقودی مردی میناسال در روستای ابهر به پلیس آگاهی ارجاع داده شد که ماموران در بررسی‌های اولیه فقهیدند موضوع فقدان این مرد از یک جنایت را خبر می‌دهد. لذا تحقیقات درباره این پرونده را با جدیت آغاز کردند.

ماموران در گام‌های بعدی خود متوجه شدند که مرد، مفقود نشده بلکه به قتل رسیده‌است چراکه یکی از اهالی روستا، فردی را که جنازه مرد مفقود به نام اصغر را به بیرون



قتل شوهر بد اخلاق با ضربات چاقو سلاخی

از شهر انتقال می‌داد مشاهده کرده بود که کار آگاهان بلافاصله با دستور قضایی فرد مظنون را در کشتارگاه بازداشت و به پلیس آگاهی منتقل کردند.

مظنون به قتل که پسر جوانی به نام محسن بود، پس از رویارویی با مدارک پلیس به ناچار لب به اعتراف گشود و راز مفقود شدن اصغر را فاش کرد و گفت: همسر اصغر که پروین نام دارد، مدتی پیش از من یک چاقوی سلاخی خواست و مدعی شد که می‌خواهد همسرش را به قتل برساند و سپس از من کمک خواست تا بعد از این جنایت، جسد شوهرش را در اطراف شهر برده و رها کنیم. محسن ادامه داد: پروین پس از ارتکاب قتل شوهرش با من تماس

شلیک به سر شوهر پایان اختلافات خانوادگی

فرمانده انتظامی استان بو شهر گفت: زنی که به علت اختلاف خانوادگی با شلیک سلاح همسرش را در هنگام خواب به قتل رسانده بود، دستگیر شد. به گزارش باشگاه خبرنگاران، سردار حیدر عباس زاده اظهار داشت: در پیامد آخرین روز ماه آبان امسال، در شهر گناوه فردی به هویت الف-ص در منزل خود هنگام خواب



زن رمالی که به شیوه بدل اندازی طلajat سوزِهای خود را بسرقت می‌کرد توسط مأموران پلیس آگاهی استان چهارمحال وبختیاری، شناسایی و دستگیر شد.

جنایت پایان رابطه پنهانی همسر با مرد مورد علاقه

مرد جوانی که شوهر زن مورد علاقه خود را به قتل رسانده بود پس از جلب رضایت اولیای دم از جنبه عمومی جرم محاکمه‌اش.

به گزارش باشگاه خبرنگاران، چندی پیش رهگذار در خیابان مسعودیه جنازهٔ مسردی را دیدند که در حال سوختن بود. آنها خیلی زود ماموران کلانتری را در جریان وقوع این قتل قرار دادند. ماموران نیز بلافاصله موضوع را در دستور کار خود قرار دادند و با حضور در محل به تحقیق در این رابطه پرداختند. تحقیقات نشان داد که مردی حدوداً ۴۰ ساله خفه شده و جنازش به آتش کشیده شده‌است.



صبح روز پنجشنبه در عملیاتی ضربتی آنان را دستگیر و به مقر پلیس منتقل کردند. فرمانده انتظامی و یژه شرق استان تهران با بیان اینکه یکی از متهمان دستگیر شده به نام ۲۸ساله، دارای چهار فقره سابقه کیفری در خصوص سرقت، شراارت و مواد مخدر بوده‌است، گفت: دو متهم اصلی پرونده، پس از بازداشت و اعتراف به جرائم خود، به داسرا معرفی و با صدور قرار قانونی روانه زندان شدند. وی با تاکید بر اینکه پلیس اجازه قدرت نمایی و برهم زدن امنیت را به اشترار نخواهد داد، گفت: اوپاش بداندن که مجازاتی سنگین برایشان در قانون وجود دارد.

قتل معلم فیزیک با ضربه چاقوی دانش‌آموز!

درگیری با معلم از مدرسه متواری شد تا پیش از این بیشتر خبر خشتن معلمان در مورد دانش آموزان و اخبار تشبیه بدنی بود که رسانه‌یی می‌شد. مهدی بهلولی، معلم و کارشناس آموزش و پرورش در مورد وقوع حوادث اینچنینی در مدارس می‌گوید: جریان روز گذشته دبیرستان بروجرد در مقوله کلی‌تری به نام خشتن در مدرسه جای می‌گیرد. خشتن در مدرسه سه جانبه‌است که شامل خشتن دانش‌آموز نسبت به دانش‌آموز، معلم به دانش‌آموز، دانش‌آموز به معلم می‌شود. به گفته او این اقدامات ریشه فرهنگی و آموزشی دارد؛ درس‌های خسته‌کننده، شلوغی مدارس و کلاس‌های درس در مدارس دولتی، عدم آموزش‌های لازم مهارت‌های ارتباطی و زندگی به دانش‌آموزان بخشی از دلایل وقوع چنین اتفاقاتی است که این معلم به او اشاره

گرفت و من به همراه یکی از دوستانم به منزل پروین رفتم و جسد غرق در خون، شوهرش را با خودروی شخصی‌اش به خارج روستا برده و داخل جوی آب انداختیم.

به دنبال این موضوع همدست محسن که فریبز نام داشت نیز در منزل پدری‌اش دستگیر و در پلیس آگاهی وقتی متوجه شد همدستش همه چیز را بازگو کرده‌است، تمامی صحبت‌های محسن را تایید کرد و از علت این جنایت اظهار بی‌اطلاعاتی کرد و به ماموران گفت: نمی‌دانم پروین چرا همسرش را به قتل رسانده‌است. سرانجام آخرین منتم پرونده یعنی پروین که در خانه برای شوهرش مراسم سوگواری راه انداخته بود، دستگیر و به پایگاه پلیس منتقل شد و در برابر شواهد پلیس به قتل شوهرش اعتراف کرد و درباره جزئیات شب حادثه گفت: آن شب از خانه برادر شوهرم باز می‌گشتم که مثل همیشه در خانه جر و بحثمان شد و اصغر بعد از خوردن قرص‌هایش به اتاق رفت و خوابید. پروین ادامه داد: وقتی دیدم شوهرم در خواب فرو رفته‌است با چاقوی سلاخی که قبلاً از محسن گرفته بودم،

برخورد مرگبار پراید با تیر چراغ برق

بالای سر اصغر رفتم و ابتدا یک ضربه به گردنش زدم و سپس با چند ضربه دیگر به سایر قسمت‌های بدنش از مرگش مطمئن شدم و در پایان نیز به محسن زنگ زدم تا باید و جسد شوهرم را به خارج از شهر ببرد. پروین درباره انگیزه جنایتش به پلیس گفت: شوهرم مرد بسیار بد اخلاقی بود و دائم به من فحش می‌داد و مسخره‌ام می‌کرد، دیگر نمی‌توانستم یا او زندگی کنم و با کشتن او انتقام سال‌ها اذیت‌هایش را گرفتیم. پس از اظهارات پروین ماموران جسد را با همکاری محسن پیدا کردند و با تهیه مستندات به سردخانه پزشکی قانونی منتقل کردند و هر سه متهم نیز در اختیار مقام قضایی قرار گرفتند.



توسط مرجع قضایی تحویل زندان شد.

بدل اندازی، شگرد زن رمال برای سرقت طلا

دریافت می‌کرد تا به بهانه برآورده شدن حاجت آنها را در باغچه منزل چال کند که در این هنگام بدلیجات خود را به دور از چشمان مالباخته با طلاجات اصل تعویض می‌کرد که در جریان سرقت از یکی از شهروندان در انجام عمل مجرمانه خود ناکام ماند.وی با اشاره به اینکه از سوی مراجع قضایی متهمه با صدور قرار ۵۰۰ میلیون ریالی روانه زندان شد از عموم مردم خواست ضمن حفظ هویشاری هرگونه موارد مشکوک را به پلیس اطلاع دهند تا در اسرع وقت به موضوع رسیدگی شود.

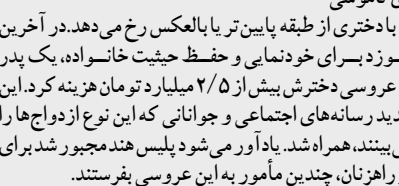


مقابل هیات قضایی شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران ایستاد و ائبنار از جنبه عمومی جرم از خود دفاع کرد.وی در این جلسه اظهارات قبلی خود را تکرار کرد. در پایان قضات دادگاه کیفری وارد شور شدند تا حکم نهایی را صادر کنند.

لباس ۲/۵ میلیارد تومانی عروس هندی

یک شیرینی فروش هندی برای لباس عروسی، دخترش، معادل بیش از ۲/۵ میلیارد تومان هزینه کرد و این لباس را به جواهرات گرقیمت اراست.

زندگی کشور هندوستان که از فقیرترین کشورهای جهان است و میلیون‌ها نفر از مردم این کشور حتی از داشتن سرپنانه نیز محرومند، با سنت‌ها و طبقه‌بندی‌های اجتماعی سختی نیز دسته پنج‌می‌می‌کنند؛ جمله در این کشور هر طبقه‌ای نمی‌توانند با طبقه پایین‌تر از خود ازدواج کند و گاه قتل‌های ناموسی صرفاً برای ازدواج پسری یا دختری از طبقه پایین‌تر با بالعکس رخ می‌دهد. در آخرین نمونه سه زنهای سی-موزد برای خودنمایی و حفظ حیثیت خانواده، یک پدر شیرینی فروش برای لباس عروسی دخترش بیش از ۲/۵ میلیارد تومان هزینه کرد. این هزینه گزاف با واکنش شدید رسانه‌های اجتماعی و جوانانی که این نوع از دواج‌ها را مانع زندگی عادی خود می‌بینند، همراه شد. یادآور می‌شود پلیس هند مجبور شد برای حفاظت این عروس از شر راهزنان، چندین مأمور به این عروسی بفرستند.



قرار می‌دهند، ۳۸درصد در بخش‌های اداری و خدماتی مشغول هستند که با احتساب این درصد، نسبت معلم به دانش‌آموز یک به ۱۷ می‌شود. بهلولی با تاکید بر اینکه در مدرسه نیاز شدیدی به معلم پرورشی داریم از کمبود این دسته نیرو در مدارس انتقاد می‌کند و می‌گوید: تعداد معلمان پرورشی در مدارس بسیار کم است. در تعدادی از مدارس اصلا معلم پرورشی نداریم. با اگر هم باشد به روز نیستند و با دانش‌آموزان ارتباط برقرار نمی‌کنند. او ادامه می‌دهد: به عنوان نمونه در مدرسه‌یی با ۵۰۰ دانش‌آموز معلم پرورشی تنها شش ساعت در هفته در مدرسه حضور داشت که در این مدت به گفته خودش تنها به کارهای اداری و تشکیل پرونده می‌رسید. بهلولی ادامه می‌دهد: تا زمانی که برای استادی استخدام نمی‌شوند، بوجه مدارس را کم کنیم، بحران‌های اینچنینی خصوصاً در مدارس دولتی ادامه خواهد داشت.

حوادث ایران

پرونده مرگ دانش‌آموزان بررسی می‌شود

دادستان نظامی استان کرمان از رسیدگی دقیق به پرونده قصور مامور پلیس را در مرگ دانش‌آموزان قلعه گنجی خبر داد.

علیرضا بیگ‌مرادی گفت: در مورد حادثه مرگ تاسف‌بار چند دانش‌آموز در جریان تعقیب یک وانت بار پرونده‌ای در دادرسی نظامی ناحیه جبرفت تشکیل شده‌است. وی گفت: بخشی از پرونده که مربوط به تخلف راننده وانت بار است، در دادرسی عمومی در حال رسیدگی است. بیگ‌مرادی تصریح کرد: قسمتی از پرونده که به تخلف مامور پلیس راه ارتباط دارد در دادرسی نظامی مطرح است. دادستان نظامی استان کرمان افزود: قطعاً به این پرونده با دقت و قاطعیت رسیدگی می‌شود. وی گفت: نتیجه پرونده ظرف مدت متعارف و متناسب مشخص و اعلام می‌شود. گفتنی است، سه دانش‌آموز پسر ۲۸مهر امسال به علت واژگونی وانت پیکان در روستای سرخ قلعه در فاصله ۴۰ کیلومتری شهر قلعه گنج جان باختند و ۳ دانش‌آموز دیگر نیز مجروح شدند.

برخورد مرگبار پراید با تیر چراغ برق



شهریان، تقاطع غیرمسطح سپاه به طرف میدان معادن قبل از ورودی محمدآباد گزارش کرد.بستاد فرماندهی سازمان باافاصله زنگ امداد و نجات ایستگاه ۱۰۰ م‌رگی را به صدا درآورد و امدادگران با امکانات و تجهیزات کامل راهی محل حادثه شدند.امدادگران در بدو ورود مامورین مشاهده کردند یک دستگاه خودرو پراید به علت بی احتیاطی و ناتوانی راننده در کنترل خودرو از مسیر جاده منحرف و به تیر برق برخورد نموده که منجر به کشته و مصدوم شدن سه نفر گردیده‌بود که ضمن ایمن‌سازی کامل جاده و جلوگیری از نشت بنزین و قطع سرباطری فرد مصدوم از داخل خودرو خارج و با همکاری اورژانس ۱۱۵ شهریار به بیمارستان انتقال و اجسادو نفر تحویل تیزی نظامی مستقر در محل حادثه گردید.

بخشش زندانی محکوم به قصاص بعد از ۱۷ سال

یک زندانی محکوم به قصاص در زندان مرگزی شیراز (عادل آباد)، پس از ۱۷ سال از چوبه دار نجات یافت.

رج ۳۷ساله، زمانی که یک جوان ۲۰ساله بود برائت یک اتفاق، ناخواسته مرتکب قتل شد.وی پس از درگیری با یکی از همسایگان خود، در اوج عصبانیت مرتکب عملی شد که تاواتش سال‌های سراسر از ندامت و شش‌بهار و روزهای بسیار دشوار بود.این زندانی عنوان خلافکار واهل دوعنوانیچدهم‌رسد به قتل؛فکرنمی‌کرد زم‌زمانی به عنوان قاتل محاکمه شو.او ی افزود: زندان محل فکر کردن و خلوتی است که انسان زمان زیادی می‌تواند به اعمال خود نگاه کند، روزهایی که رفت و دیگر هم به نام نمی‌گردد.رج گفت: یک زندانی که سه‌سال‌ی زیادی را پشت دیوارهای بلند پسر برده‌است، وقتی آزادی می‌شود حس تولدی دوباره دارد. بعد از آزادی از زندان، دین مردم مثل این بود که یک فیلم سینمایی جذاب و زنده برام پیش‌ش شود.این زندانی با تلاش واحد مددکاری زندان و یک پزشک متخصص این خود را تکرار کرد. وی پرونده و تأمین و پرداخت مبلغ دیغ از طریق خیرین، از زندان آزاد شد.

درخواست طلاق به خاطر پرستاری از مادر شوهر
مرد جوان رزمیکه دید همسرش از مادرش مراقبت نمی‌کند به دادگاه خانواده رفت و در خواست طلاق داد.

دادگاه پیش‌مر جوانی به‌ام‌راجعه به‌دادگاه‌خانواده گفت: آقای قاضی از دست همسرم خیلی عصبانی هستم. او حاضر نیست از مادرم پرستاری کند. وی ادامه‌داد: مادر من یک زن پیرو بیمار است که باید کسی با او مراقبت کند. او به جز من و دو پسر دیگرش کسی را ندارد. دو عروس دیگرش هر شب پیش او می‌روند و از او پرستاری می‌کنند ولی زن من حتی یکبار هم حاضر نیست از مادر شوهرش پرستاری کند. مر جوان گفت: وقتی می‌بینم که همسرم تا این حد ظالم و سنگدل است تصمیم گرفتم از او جدا شوم. او حتی به احترام من هم حاضر نیستند کاری مادر مرا بماند و از او پرستاری کند. برای همین درخواست طلاق دارم. پس از صحبت‌های این مرد همسری نیز به دادگاه احضار شد تا قاضی صحبت‌های او را نیز بشنود.

حوادث ایران

نجات کودک ۱۴ماهه از دست جوان آدم‌با

جوان دانشجویی که خودروی پژو پارسی را به همراه کودک ۱۴ماهه ربوده بود در کمتر از یک ساعت دستگیر شد.

فرمانده انتظامی خراسان رضوی در گفتگو با باشگاه خبرنگاران اظهار داشت: گزارش یک فقره سرقت خودروی سواری به همراه یک کودک ۱۴ماهه که در داخل خودرو بوده در ساعت ۱۲جمع شب گذشته به فرماندهی کشت عملیات کلانتری ۱۲سبزو اطلاع داده شد که بلافاصله ماموران به محل سرقت، خیابان یبھقی سبزوآر، مراجعه کردند. وی ادامه داد: ماموران انتظامی ضمن مراجعه به محل با مالک خودرو که عمو ی کودک ربوده شده بود، مواجه شدند که وی اظهار داشت: تنها چند دقیقه در مقابل بانک توقف و از عابر بانک مبلغی را برداشت کنم در این لحظه فردی ناشناس با سو استفاده از سهل انگاری خودرو را به همراه برادر زاده‌ام به سرقت برد.وی افزود: با توجه به اهمیت و حساسیت موضوع مشخصات خودرو و سفید رنگ به همراه کلاه‌های گشت و عملیات فرماندهی انتظامی سبزوآر اعلام شد و گروهی از اقوام و نزدیکان کودک نیز وارد عمل شدند تا پلیس را در اجرای طرح مهار و پیدا کردن ربا بنده کمک کنند.سرتپ بهمن امیری مقدم ادامه داد: پس از گذشت دقایقی خودرو سرقت شده با سه سر نشین در یکی از خیابان‌های شهر سبزوآر مشاهده شد که از موضوع سرقتی بودن خودرو و ربوده شدن کودک بی اطلاع هستند چرا که آن‌ها مسافر و به مقصد تهران سوار بر این خودرو و سواری شدند. متهم پرونده در بازجویی پلیس اعتراف کرد: اوایل شب همراه دوستم به یک فروشگاه مراجعه و چند کاپشن سرقت کردم و سپس به من تهران بروم دنبال خودرو مدل بالای می‌گشتم که آن را سرقت و به تهران بروم که در یکی از خیابان‌ها با خودرو پژو پارسی مواجه شدم که خودرو روشن بود و من سهل انگاری را نند استفاده کرده و آن را سرقت کردم. سرتپ بهمن امیری مقدم در پایان تصریح کرد: در این اتهام متهم اصلی پرونده پلیس همدست وی را که در سرقت لباس‌ها همراه او بود را نیز دستگیر کردند و به مقر انتظامی انتقال دادند.